

طرح دفاع موشکی (NMD)

تاریخچه طرح‌های ضد موشکی

نگاهی به تاریخچه طرح دفاع

موشکی، نشان می‌دهد که برای اولین بار

در دهه ۱۹۵۰ و در دوران آیزنهاور،

رییس جمهور اسبق آمریکا، طرح دفاع

ضد موشکی مطرح شد. بعدها در سال

۱۹۸۲، رونالد ریگان با طرح جدیدی تحت

عنوان جنگ ستارگان (SDI) رویای یک

سیستم دفاع ضد موشکی را به وجود آورد

که به دلایل فنی و نیز هزینه سرسام‌آور

تحقق نیافت، ولی با وجود این در تضعیف

روحیه و فرسایش توان مادی

اتحاد جماهیر شوروی مؤثر بود. پس از

ریگان، جرج بوش پدر به عنوان جانشینی

برای ریگان، طرح سیستم دفاع محدود را

ارایه داد، اما این طرح نیز به سرانجام

نرسید. پس از جرج بوش، کلینتون نیز

سعی کرد با طرح دفاع موشکی به نوعی،

رویای خود را عینیت بخشد. این طرح،

علی‌رغم این که عملی واقع‌گرایانه توصیف

شده بود، ولی در آزمایش‌های اولیه با

شکست روبه‌رو شد، پس از کلینتون،

جورج دبلیو بوش این کار را در الویت برنامه

خود گذاشت. این، در حالی بود که پس از

علیرضا ایلخانی

دستیار تحقیقاتی مرکز پژوهش‌های

علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

ریچارد نیکسون، رییس جمهور اسبق

آمریکا پس از جنگ جهانی دوم در کتاب

«فرصت را دریابیم» می‌نویسد:

«قرن بیست و یکم می‌تواند قرن

صلح باشد. به دلیل قدرت ویرانگر

سلاح‌های اتمی، جنگ جهانی دیگری روی

نخواهد داد. آنها که سلاح اتمی دارند،

می‌دانند که جنگ اتمی بازنده دارد، ولی

برنده ندارد.»

اکنون که در قرن بیست و یکم قرار

داریم، ضروری است تا به بررسی طرح

ملی دفاع موشکی (NMD) که یکی از

مهمترین مواردی است که در سیاست

خارجی آمریکا دنبال می‌شود بپردازیم.

اهداف و پیامدهای این طرح در

برنامه ریزی دقیق سیاست خارجی کشورها

می‌تواند مؤثر باشد.

فروپاشی شوروی، منافع کشورهای جهان نیز دچار تغییراتی شده و هر کشوری در جهت حفظ وضع موجود و برتری خود گام برمی داشت. به همین منظور، تعدادی از کشورهای غربی به دنبال کاهش آسیب پذیری و ضعف خود بودند، به همین جهت با استفاده از تکنولوژی و فن آوری شوروی سابق به تجهیزات نظامی مهم دست پیدا کردند. این کشورها با ساخت موشکهای دوربرد پیچیده و آزمایشهای متعدد، سعی در حفظ امنیت ملی خود داشتند. همین مسئله، موجب به وجود آمدن یکی از اختلافات بین جمهوریخواهان و دموکرات ها گردید.

مفهوم امنیت ملی

در کتاب فرهنگ روابط بین الملل، نوشته غلامرضا بابایی، امنیت ملی چنین تعریف شده است:

«امنیت ملی، حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی و یا خاک خود به سر می برد.»

همچنین والتر لیپمن^۱ در تعریف دیگر، امنیت را در معنای عام کلمه، همیشه

همراه با قدرت نظامی می داند، به طوری که بود و نبود امنیت وابسته به توانایی کشور در دفع و از بین بردن حمله نظامی است؛ البته او تأکید می کند که حمله نظامی، آخرین اهرمی است که بکار گرفته می شود. وی در تعریف جنگ اظهار می کند: «جنگ، راهی است که طی آن، تصمیمات بزرگ انسانی اتخاذ می شود.»^۲ تعریف دیگری نیز از امنیت وجود دارد که از مورگنتا است. وی اظهار می کند که هر کشور: «چاره ای جز این ندارد که موجودیت مادی، سیاسی و فرهنگی خود را در مقابل تجاوز و تعدی سایر ملتها حفظ نماید.»^۳

بنابراین، با توجه به تعاریف ارائه شده، از نوشته های اکثر محققین به این نتیجه می رسیم که مفهوم امنیت ملی بیشتر به معنای «حفظ وضع موجود» است. این وضعیت، بالاترین و اساسیترین عامل برای تصمیم گیری سیاستمداران یک کشور، است، بدین معنا که:

«حفظ جان و مال مردم و تمامیت ارضی کشور و حفظ سیستم اقتصادی کشور دارای اهمیت است.»
آنچه در بالا گفته شد معنای خاص

(Millitarism) یا نظام‌میلاری می‌دانند. در همین زمینه، طرح ملی دفاع موشکی (NMD)، همواره از اختلافات میان جمهوریخواهان و کابینه کلینتون در زمینه مسایل دفاعی آمریکا متأثر بوده است. جمهوریخواهان در طول هشت سال و بویژه در سالهای اخیر به دفعات، طرح دفاع موشکی را مطرح نموده، ولی به نتیجه ملموس و فوری دست نیافتند. پس از روی کار آمدن جرج دبلیو بوش، دونالد رامسفلد، وزیر دفاع آمریکا در یک گزارش تحقیقی به جورج دبلیو بوش توصیه کرده بود که ایالات متحده آمریکا باید خود را برای استقرار ساختارهای تسلیحاتی پیشرفته در فضا که قادر به دفاع از حملات علیه منافع آن کشور باشد مهیا کند.

بدین معنا که یکصد موشک رهگیر در آلاسکا مستقر می‌شوند تا با ورود موشکهای بالستیک دشمن به فضای آمریکا، رهگیری و خارج از جو زمین نابود گردند، بدین شکل که موشک شلیک شده از سوی یکی از کشورهای جهان، ابتدا توسط یکی از مجموعه ماهواره‌های اطراف زمین شناسایی و به مرکز اطلاعات هشدار داده

امنیت است که هدف اولیه و انگیزه اصلی رفتار کشورها در سیاست خارجی به شمار آمده است. البته امنیت در معنای وسیع و عام دیگری نیز استعمال می‌شود که غالباً در ادبیات روابط بین‌الملل و سیاست خارجی دیده می‌شود. امنیت در معنای عام کلمه، آزادی از ترس و فقدان خطر جدی از خارج نسبت به منافع حیاتی و اساسی مملکت است.

بنابراین، از تعاریف فوق چنین می‌توان نتیجه گرفت که اهداف اصلی امنیت ملی به شرح زیر است:

- ۱- حفظ استقلال و تمامیت ارضی
 - ۲- تحقق رفاه مردم و ثبات سیاسی کشور
 - ۳- حفظ و اشاعه ارزشهای ملی و اعتقادی
 - ۴- فراهم آوردن امکان فراغت خاطر نسبت به تهدیدهای احتمالی^۴
- در مفهوم امنیت ملی، میان جمهوریخواهان و دموکرات‌ها اختلاف وجود دارد بدین معنا که حزب جمهوریخواه را حزب صلح و شکوفایی اقتصادی و حزب دموکرات را حزب طرفدار میلیتاریسم

می شود. پس از آن، مسیر موشک توسط شبکه ای از رادارهای هشدار دهنده، تعیین شده و سپس اطلاعات دریافتی از ماهواره ها و شبکه رادارها در خصوص این موشک و مسیر حرکت آن به کامپیوتری مستقر در کلرادو مخابره می شود. این کامپیوتر که وظیفه مقابله با این موشک را دارد، اطلاعات دریافتی را به شبکه ای از رادارهای باند ایکس مخابره می کند. این رادارها مسیر واقعی موشک و زمان حقیقی را به کامپیوتر دومی که وظیفه شلیک موشک ضد موشک را برعهده دارد، منتقل می کند. این کامپیوتر که به موشک ماورای جو مجهز است با بهره مندی از اطلاعاتی که ماهواره ها و رادارها دریافت می کنند، موشک را که به یک رهگیر مادون قرمز و یک تلسکوپ نوری مجهز است، ردیابی کرده، آن را مورد هدف قرار می دهند.

این طرح، در سیاست خارجی آمریکا دنبال می شود و بودجه آن از ۶۰ میلیارد دلار تا به یکصد میلیارد دلار پیشنهاد شده است. در همین زمینه، جرج دبلیو بوش که در مبارزه انتخاباتی اش این طرح رادر فقدان خطر شوروی ضروری می دانست،

پس از انتخاب به ریاست جمهوری آمریکا روی آن تأکید زیادی کرد. زیرا وی معتقد است که دیپلماسی، بدون کاربرد زور، پوچ و زور، بدون دیپلماسی، غیر مسئولانه است. وی همچنین معتقد است قدرت نظامی، مهمترین ابزار در دستیابی به اهداف سیاست خارجی آمریکا و مهمترین عامل حفظ رهبری آمریکا در جهان است و باید بودجه آن افزایش و زمینه های تحقیقات دفاعی و دفاع موشکی تقویت شود.

مدافعان و مخالفان طرح ملی دفاع موشکی

طرفداران استقرار دفاع ملی موشکی، تهدیدهای جدید، نظیر موشکهای دوربرد کره شمالی، ایران و عراق را به عنوان توجیهی برای استقرار دفاع موشکی مطرح می کنند. یکی از طرفداران این طرح در دولت جرج دبلیو بوش، رامسفلد، وزیر دفاع آمریکاست که طرح ملی دفاع آمریکا از وی می باشد. فرانک جی. گفنی رییس مرکز سیاست امنیتی در واشنگتن دی سی، یکی دیگر از مدافعان این طرح است وی معتقد است که

روش استقرار حوزه پدافند موشکی، تنها راه قابل انعطاف مؤثر و در کوتاه مدت، قابل دسترسی است. به نظر وی، کلید معما در شروع کار است و آن هم در سریعترین زمان ممکن. کالین پاول، وزیر امور خارجه آمریکا از مخالفان این طرح است وی مخالف ایدئولوژیک رامسفلد است و به نهاد های چند جانبه معاهده و کنوانسیون اعتقاد دارد و آنها را ابزاری مناسب می داند و همچون رامسفلد، مخالف مداخله ارتش در امور خارجی است.

بازتاب جهانی طرح ملی دفاع موشکی

یوشکافیشر، وزیر امور خارجه آلمان در جایی اظهار کرد که ایجاد نظام تدافعی، تعادل نظامی را در جهان برهم خواهد زد و نه تنها بر آلمان و اروپا تأثیر می گذارد، بلکه در سطح بین الملل نیز پیامدهایی خواهد داشت و بخصوص رابطه با روسیه را به خطر می اندازد. هوبرت وردین، وزیر امور خارجه فرانسه، ضمن نگرانی از این طرح اظهار کرد که فرانسه این سؤال را از خود می پرسد که آیا این خطر و تهدید جدی از طریق موشکهای استراتژیک از طرف کشورهای

نظیر کره شمالی و ایران وجود دارد که به خاطر آن، نقض معاهده ABM ضروری باشد؟

خانم ماکیکوتاناکا، وزیر امور خارجه ژاپن در مورد این طرح گفته است: احتمال دارد صاحبان صنایع نفت، پشت طرح جدید دفاع موشکی آمریکا باشند. وزیر امور خارجه چین، تأثیرات این طرح را بر توازن استراتژیک جهانی و کنترل تسلیحات بین المللی منفی دانسته و از واشنگتن خواست هر چه زودتر آن را متوقف کند. خاویر سولانا، نماینده اتحادیه اروپا در امور سیاست خارجی و امنیت مشترک در این رابطه اظهار می کند که استقرار این طرح می تواند به شکاف میان آمریکا و اتحادیه اروپا منجر شود. وی همچنین اظهار می کند که اگر کشورهای اروپایی عضو ناتو احساس کنند که آنها از طریق این سیستم محافظت نمی شوند، میان ناتو و آمریکا شکاف به وجود خواهد آمد.

در مجموع، این طرح از آنجا که از یک سو با معاهده ها و کنوانسیونهای بین المللی که در سال ۱۹۶۷ میلادی با نظارت مجمع عمومی سازمان ملل متحد و

در چارچوب توافق کشورهای جهان با عنوان نظارت بر اجرای اصول اساسی استفاده از فضای ماورای مورد پذیرش جامعه جهانی قرار گرفت مغایرت دارد و از سوی دیگر به این دلیل که ایجاد مسابقه تسلیحاتی و منع تکثیر سلاحهای هسته ای و کشتار جمعی و برهم زدن ثبات استراتژیک جهانی - منطقه ای با مخالفت بسیاری از کشورهای جهان روبه رو گردید - که عده ای از آنها دوستان و متحدان ایالات متحده آمریکا بودند - مورد مخالفت قرار گرفت.

اهداف آمریکا از طرح دفاع موشکی (NMD)

۱. حفظ برتری خود در مقابل کشورهایمانند کره شمالی، هند، پاکستان، اتحادیه اروپا و روسیه.
۲. حمایت از رژیم صهیونیستی که یکی از اولویتهای استراتژیک نظامی آمریکا می باشد.

۳. جلوگیری از خطرات موشکی کشورهایمانند عراق.
۴. از بین بردن خطا و اشتباه در مورد هدفهای مورد نظر موشکها.

نتیجه گیری

برای دستیابی به این استراتژی، سالها زمان لازم است تا ایالات متحده به نتیجه ملموس برسد. این، در حالی است که به نظر برخی از محققین، ایالات متحده آمریکا همان پندارها و فرضیه های غلط دوران جنگ سرد را به برنامه ریزی استراتژی کلان خود در قرن ۲۱ تسری می دهد. چنین استراتژیهایی، علاوه بر این که می تواند موجب تکرار مسابقه تسلیحاتی میان کشورهای شود، به تبدیل شدن جهان به انبار باروت کمک زیادی خواهد کرد و صلح و ثبات جهانی را تهدید می کند. این در حالی است که از لحاظ نظامی، ایالات متحده به تأمین نیازهای خود در زمینه های عام و خاص پیشرفت تکنولوژی دست یافته است.

پاورقیها:

1. Walter Lippman
۲. سیدحسین سیفزاده، اصول روابط بین الملل (الف و ب)، تهران: نشر میزان و دادگستر، ۱۳۷۸، ص ۱۶۰.
۳. حمید بهزادی، اصول روابط بین الملل، تهران: انتشارات دهخدا، ۱۳۵۲، ص ۱۰۱.
۴. جلیل روشندل، امنیت ملی و نظام بین الملل، تهران: نشر سمت، ۱۳۷۴، ص ۱۸ و ۱۹.